

**چکیده**

بی‌شک، قزوین یکی از مهم‌ترین مراکز خوشنویسی و کتیبه‌نگاری ایران در دوران اسلامی است و وجود نمونه‌های متعدد و ممتاز از کتیبه‌های خوشنویسی باقی‌مانده (از روزگار سلجوقیان تا پایان عهد قاجار) در بناهای مختلف این شهر خود گواهی بر این مدعااست.در همین زمینه و بر اساس پژوهش‌های میدانی نگارنده، در زمینه‌ی تاریخچه و گونه‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق در ایران، کتیبه‌های سنگی سردر بناهای شهر قزوین که در عهد قاجار تهیه

## مطالعه‌ی ویژگی‌های تاریخی، هنری و

## سبک‌شناسی

## کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین (دوره‌ی قاجار)

<span></span>
کیانوش معتقدی
<i>پژوهشگر هنرهای ایرانی-اسلامی</i>



کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آبانبار حاج کاظم قزوین، کاتب:میرزا کاظم قزوینی ، ۱۲۵۶ ه‍.ق.(تصویر از نگارنده)

و نصب شده‌اند، از نظر عیار خوشنویسی (ترکیب‌بندی حروف و کلمات)، کیفیت انتقال خط و گرته‌برداری، همچنین شیوه‌ی حجاری از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های موجود ایران از دوره‌ی قاجار به‌شمار می‌آیند.

در این فرصت، با بررسی و معرفی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر شش بنای شاخص شهر قزوین از دوره‌ی قاجار شامل:

مسجدالنبی (۱۲۲۳ه‍.ق)، مسجد-مدرسه سردار (۱۲۳۱ه‍.ق)، آبانبار حاج‌کاظم (۱۲۵۶ه‍.ق)، حمام صفا (۱۲۵۹ه‍.ق) و مسجد سبز (۱۲۶۳ه‍.ق)، آبانبار خان (۱۲۸۵ه‍.ق)، ویژگی‌های تاریخی، هنری و محتوایی این کتیبه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و علاوه بر شناسایی بانیان، معماران، خوشنویسان و حجاران کتیبه‌های قزوین، سبک کتیبه‌نگاری نستعلیق خوشنویس برجسته این دوران «ملک‌محمد قزوینی»<sup>[۱]</sup> را بر اساس نمونه‌های موجود بررسی خواهیم کرد.

##### مقدمه

معماری و هنس‌رهای وابسته به آن در ایـران (دوره‌ی اسلامی) از پیشینه‌س‌ای طولانی و با زـنـسـدگی مردم پیوند نزدیکی داشته است. در همین راستا یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی بنس‌اها، ورودی‌ها و سردرهاست، کسـه عـسـومأ از ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسی (نسبت به دیگر اجزأ ساختمان) برخسـوردارنـسـد.

از طرفی با توجه به رشد و توسعه‌ی ساخت‌وساز بناهای عمومی در عهد قاجار، معماری ایران و تزئینات وابسته به آن، از تنوع سبکی و کثرت در مواد و مصالح نسبت به دوره‌های افشاریه و زندیه بهره‌مند شد، که مطالعه‌ی ویژگی‌های هنری و گفتمان حاکم بر زیبایی‌شناسی و سلیقه‌ی سازندگان و حامیان این بناها از چشم‌اندازهای گوناگونی هم‌چون ساختار معماری، کارکرد نحو و فضا، مدیوم‌های مختلف در تزئینات داخلی و خارجی، مبانی طراحی در کاشی‌کاری، حجاری سنگ و بالاخره توسعه‌ی کتیبه‌نگاری در قلم نستعلیق قابل مطالعه است. آن‌چنان‌که این شناخت گامی مؤثر در کسب آگاهی از علل و عوامل شکوفایی یا افول معماری و هنرهای وابسته به آن خواهد بود.

شایان ذکر است کتیبه‌های نستعلیق به‌عنوان یک اثر هنری از زاوایی گوناگونی نیز قابل بررسی هستند. نخست بخشی از یک ۱-برای مطالعه‌زندگی و آثار ملک‌محمدقزوینی،رک:نورمحمدی،مهدی(۱۳۹۵)موقع دلگشا، نشرپیکره.

فضای معمارانه و با کارکردی تزئینی (دکوراتیو) و هم‌چنین حامل پیامی مذهبی، ادبی و یادمانی. این برداشت از کتیبه‌ها همان تعریف معمول (حبیب‌الله فضایی) است که اکثر پژوهشگران نیز بر آن وفاق داشته و عبارت است از: «کتیبه یا کتابه در معماری به نوشته‌ای اطلاق می‌گردد که بر سردر بناها یا در مدخل ورودی قرار می‌گیرد و عموماً حاوی آیات، احادیث، نام بانی، خوشنویس، کاشیکار، حجار و ماده‌ی تاریخ ساخت کتیبه یا بناست. این فرم که در آغاز اسلام تنها مفهومی کاربردی داشت، رفته‌رفته فرمی تزئینی و جنبه‌ای هنری پیدا کرد. مضافاً به این‌که کتیبه‌های سردر بناها ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی دارند و بازگوکننده هویت و شخصیت بانیان و سازندگان بنا هستند. کتیبه به مثابه یک اثر مستقل خوشنویسی و بدون درنظر گرفتن محل نصب و ارتباط و کارکرداش در نمای خارجی یا داخلی یک بنای عمومی نیز قابل مطالعه هستند، آن‌چنان‌که می‌توان سبک و عیار نگارش، شیوه‌ی ترکیب‌بندی و چیدمان حروف و کلمات، کاتب و خوشنویس اثر، مواد و مصالح سازنده (کاشی، گچ، چوب یا سنگ) و میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها در سیر تحولات کتیبه‌نگاری ایران را مورد شناسایی و بررسی قرار داد.

همچنین وجود نمونه‌های ممتاز و متعدد کتیبه‌های نستعلیق از دوره‌ی قاجار، از جنبه‌های چون متن و محتوای کتیبه‌ها، تزئینی بودن، ترکیب‌بندی و کیفیت خط قابل مطالعه و تجزیه و تحلیل هستند. چراکه علاوه بر تنوع در شیوه‌های اجرایی، در مقایسه با دیگر عناصر تزئینی موجود در یک فضای معمارانه، گاهی بازتاب‌دهنده‌ی شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان نیز هستند. با این همه موضوع کتیبه‌های دوره‌ی قاجار و علت فراگیرشدن قلم نستعلیق -به‌عنوان خطی با هویتی کاملاً ایرانی، خوانا و تأثیرگذار- در کار کتیبه‌نگاری این دوران اهمیت فراوانی داشته و نیاز به واکاوی دارد.

در همین زمینه و از جمله علل و عوامل مؤثر در انتخاب قلم نستعلیق به‌عنوان خط اصلی کتیبه‌نگاری بناهای دوره‌ی قاجار می‌توان به چهار مورد زیر اشاره کرد:

۱- در این دوران گفتمان غالب در فضای فرهنگ و هنر عهد قاجار، گفتمان اصالت و بازیابی هویت ایرانی در مقابل تأثیر و نفوذ هنر غرب بود و خط نستعلیق نمادی از این هویت ملی به حساب می‌آمد.

۲-ایجاد هماهنگی در شکل و محتوا؛ رواج و توسعه انواع صنایع ادبی و به‌خصوص شعر (در میان مردم و همین‌طور دربار) و همگامی آن با ورود اندیشه‌های نو در حوزه‌ی ادبیات باعث شد تا متن بسیاری از کتیبه‌های یادمانی ایران نیز در قالب اشعار فارسی و به خط نستعلیق نوشته شود.

۳- حضور و ظهور خوشنویسان برجسته و صاحب سبک در عرصه‌ی نستعلیق‌نویسی دوره‌ی قاجار که در انواع قلم‌ها (کتابت و کتیبه) منشأ تحولات اساسی و نوآوری‌های چشم‌نوازی بودند.

۴-هماهنگی ساختار هندسی خط با معماری و رهایی خوشنویس در ترکیب و چیدمان حروف و کلمات (بر روی کرسی‌های موازی) و شکستن قالب‌های رایج و صد البته سهولت در خوانش نستعلیق برای عموم مردم.

در دوران قاجار، قزوین در نزدیکی پایتخت و یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی ایران بود و به‌واسطه‌ی علاقه‌ی حاکمانش (که از میان شاهزادگان سیاست‌مدار انتخاب می‌شدند) و توجه خاص شاهان قاجار به این شهر، عمارات و بناهای عام‌المنفعه متعددی در آن بنا گردید، که در بیشتر موارد دارای کتیبه‌های نستعلیق یادمانی بودند.

**نگاهی به تحولات کتیبه‌نگاری نستعلیق (از صفویه تا پایان قاجار)**

هنر ایران هنر تزئین است و به همین علت در معماری ایرانی علاقه به ایجاد سطوح تزئینی و کتیبه‌های خوشنویسی (به طوری که کلیه‌ی اجزأ با کل ساختمان هماهنگ باشند) همواره وجود داشته است.از سوی دیگر و پس از اسلام هنر خوشنویسی، به یکی از اصلی‌ترین سرچشمه‌های هنرهای ایرانی-اسلامی و شاخص‌ترین ویژگی بصری تمدن اسلامی بدل گردید.

خط و خوشنویسی از همان سده‌های آغازین علاوه‌بر کتابت مصحف و کتب، به طور همزمان در تزئین انواع آثار هنری، کاربردی (سفال، فلز، پارچه، فرش و…) و بناها مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. به همین خاطر کتیبه‌نگاری به دفعات در تزئینات داخلی و خارجی بناها کاربرد یافت.از میان انواع خطوط شش‌گانه، کوفی و ثلث -به دلیل ساختار هندسی، فرم و جنبه دکوراتیو- بیش از دیگر خطوط تا سده‌ی نهم هجری در کار کتیبه‌نگاری مورد استفاده قرار گرفتند. اما به‌واسطه‌ی تلاش خوشنویسان ایرانی در طول بیش از یک سده و تکوین خط کاملاً ایرانی «نستعلیق»، استفاده از این خط در عرصه‌ی کتیبه‌نگاری بناها، سنگ مزارات و وقف‌نامه‌ها در سراسر جغرافیای فرهنگی ایران و سپس شبه‌قاره‌ی هند و عثمانی مرسوم گردید و به سرعت توسعه یافت.

براساس نمونه‌های مکشوفه و مستندات تاریخی شاید بتوان ورود خط نستعلیق به عرصه‌ی کتیبه‌نگاری بناها و سنگ مزارات ایران را دهه‌های میانی سده‌ی نهم هجری پیگیری کرد، که هم‌زمان بود با تثبیت این خط در عرصه‌ی کتاب‌آرایی ایرانی.

یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های خط نستعلیق در کتیبه‌نگاری نستعلیق که تا به امروز شناسایی شده متعلق به کتیبه‌ی ورودی غربی مقبره‌ی شاه‌نعمت الله‌ولی ( ۸۴۰ه‍.ق) در ماهان کرمان است، که نخستین‌بار توسط علیرضا هاشمی‌نژاد<sup>[۱]</sup> معرفی شد. پس از آن نیز کتیبه نستعلیق سنگی در مزار خواجه‌عبدالله انصاری در هرات به خط «سلطانعلی مشهدی»(۸۸۲ه‍.ق)که حمیدرضاقلیچ‌خانی آن‌را معرفی کرده ، (قلچ‌خانی،۱۳۹۲،۵۱۱) نشانه‌ای روشن از متداول بودن خط نستعلیق در کتیبه‌نگاری ایران در روزگار تیموریان است.

<sup>[1]</sup> رک:هاشمی‌نژاد، علیرضا(۱۳۸۴) «معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق»، مطالعات ایرانی، ش ۷، صص ۸۵۲-۲۴۵



تصویر شماره ۸: نمونه‌هایی از کتیبه‌های نستعلیق بناهای قزوین از دوره صفوی (تصویر از نگارنده)

با آغاز عهد صفوی (تحت حمایت دربار و شخص شاه‌طهماسب) و پس از انتخاب قزوین به‌عنوان پایتخت، نمونه‌های ارزشمندی از کتیبه‌های نستعلیق برای بناهای این شهر تهیه گردید: کتیبه‌های نستعلیق گچ‌بری عمارت دولت‌خانه‌ی صفوی (سردر عالی‌قاپو) و کاخ چهلستون قزوین احتمالاً به خط «مالک‌دیلیمی»<sup>۱۳</sup> (حدود ۹۶۵هـ.ق)، کتیبه نستعلیق در چوبی امام‌زاده شاهزاده‌حسین (ع) قزوین از دوره‌ی شاه‌طهماسب، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مدرسه‌ی پیغمبریه‌ی قزوین به خط «شفیع بن عبدالجبار» (۱۰۵۴هـ.ق)، کتیبه‌ی نستعلیق کاشیکاری ایوان جنوبی مسجد جامع قزوین (۱۰۶۹هـ.ق) به خط «حاجی محمدصالح مذهب قزوینی» از دوره‌ی شاه‌عباس دوم و ایوان غربی به خط «کاوس مصور» (۱۰۸۱هـ.ق)، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی آب‌انبار مسجد جامع (کبیر) به خط «علاءالدین قزوینی» (۱۰۹۳هـ.ق) از دوره‌ی شاه سلیمان صفوی، دیگر کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مدرسه‌ی پیغمبریه (۱۱۵۰هـ.ق) با مضمون تعمیرات از سوی مولاوودی بیگ. گفتمنی است روند استفاده از کتیبه‌های نستعلیق در دوره‌ی صفوی را در دیگر شهرها (هم‌چون اصفهان به خط محمدصالح و میرعماد) نیز می‌توان مشاهده کرد.

اما پس از انقراض دولت صفوی، سیر نزولی در هنر و در شکل کلی‌تر گام‌های عقب‌افتادگی در جامعه‌ی ایران آغاز شد و آمدن و رفتن سلسله‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه هیچ‌گاه نتوانست این مسیر ایجاد شده را تغییر دهد. شرایط اجتماعی، اقتصادی و ۳-مولانا مالک دیلمی قزوینی (وفات ۹۶۹ هـ.ق) از خاندان خوشنویس و شیعه قزوین، که در روزگار صفویه کتیبه‌های فراوانی را در قزوین نگاشته بود، از جمله کتیبه‌های کاخ و ایوان چهلستون، کتیبه ورودی باغ سعادت‌آباد که مدخل عمارت شاهی بود. (گلستان هنر، ۹۶:۹۴ و عالم‌آرای عباسی، ۱۲۸)

فرهنگی ایران نزدیک به یک سده و در روزگار بی‌ثباتی و ناآرامی، منجر به ظهور دوره‌ای گردید که اندیشه‌اش دگرگونی و تحول در تمامی عرصه‌ها بود. تاریخ معماری ایران نیز بر این گواه است که پس از اوج معماری صفوی دوران بالندگی و نوآوری از حرکت ایستاد. نادرشاه هم به دلیل شرایط سیاسی کشور هیچگاه نتوانست حامی معتبری در توسعه هنر و معماری باشد و تنها بنای بازمانده از او، کاخ خورشید در کلات، آشکارا خارج از نفوذ سنت معماری صفویه ساخته شد. (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳:۱۲) کریم‌خان‌زند هم باوجود آنکه به میراث صفوی اهمیت می‌داد، تنها توانست حامی بخش اندکی از روند روبه رشد معماری و کتیبه‌نگاری ایران (در شیراز) پس از چند دهه خاموشی باشد. با آغاز حکومت قاجار یا به طور دقیق‌تر با روی کارآمدن فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰هـ.ق) گویی سیاست فرهنگی کشور از نو پایه‌ریزی شد و شاید بتوان بازگشت به دوران شکوه از دست‌رفته‌ی معماری و تزئینات وابسته‌ای چون کتیبه‌نگاری نستعلیق را در میان بناهای روزگار فتحعلی‌شاه سراغ گرفت. در این روزگار گفتمان غالب در بخش فرهنگ و هنر ایران، گفتمان تدوام و احیای شکوه هنر صفوی و باستان‌گرایی (بازگشت به زیبایی‌شناسی و عناصر تزئینی در پیش از اسلام) بود، هرچند در میانه راه عناصر فرنگی نیز وارد مبانی طراحی ایرانی شدند. نتیجه‌ی این رویکرد، برپایی دوباره‌ی کارگاه-کتابخانه‌ی سلطنتی (در تهران) و احیای برخی هنرهای از یاد رفته چون میناکاری (روی جواهر)، تکنیک زرین‌فام در کاشیکاری و حجاری تصویری (پرتره‌نگاری) در سراسر ایران بود.

اما شاید مهم‌ترین دستاورد این دوران که در عهد‌ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق) به اوج شکوفایی خود رسید، توسعه‌ی خوشنویسی و کتیبه‌نگاری در قلم نستعلیق بود. به‌طوری‌که در همین دوران جرقه‌های شکل‌گیری

شیوه‌ای نو را در نستعلیق شاهد هستیم که هرچند تحولی اساسی نبود، اما بیانگر خلاقیتی بود که اوج آن شیوه را در آثار (سیاه مشق و سطرنویسی) «میرزا غلامرضا اصفهانی» (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳:۲۵) و «میرحسین» می‌توان مشاهده کرد. شایان ذکر است میرزا غلامرضا و «محمد ابراهیم تهرانی (میرزا عمو)» خالقان نمونه‌های فاخری از کتیبه‌نگاری نستعلیق در تهران و ری بودند، البته سبک دیگر این دوران که در خارج از پایتخت شکل گرفته بود به دست «ملک‌محمد قزوینی» و بر اساس شیوه‌ی خاصش شکل گرفت.

#### معرفی شش کتیبه‌ی ممتاز نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین (دوره‌ی قاجار)

تعداد کتیبه‌های نستعلیق بازمانده در قزوین (دوره‌ی قاجار) بسیار فراوان بود، اما پس از زلزله‌ی قزوین (۱۲۹۳ هـ.ق)، متأسفانه تعدادی از آن‌ها تخریب شد ولی ساخت و سازهای غیر اصولی و سرقت کتیبه‌ها در چند دهه اخیر، خوشبختانه هنوز نمونه‌های قابل توجهی به لحاظ عیار بالایی خوشنویسی و اجرا (روی کاشی، گچ و سنگ) باقیست، که در این فرصت تنها به شش مورد (سنگی) شاخص از میان آن‌ها که از جنبه‌های گوناگون (یادمانی، تاریخی، محتوایی و عیار بالایی خوشنویسی و حجاری) قابل مطالعه هستند، خواهیم پرداخت:

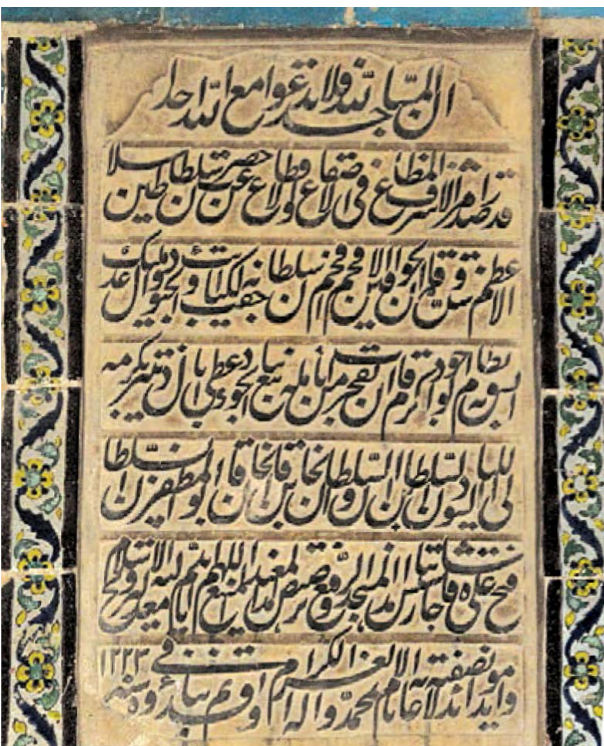
#### کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجدالنبی قزوین (۱۲۲۳ هـ.ق)

مسجدالنبی (مسجدشاه) قزوین از جمله بزرگترین مساجد این شهر از دوره‌ی قاجار است، که هم به لحاظ معماری و عناصر زیبایی‌شناسانه و هم خلایقیت در فضا‌سازی و تنوع کتیبه‌های خوشنویسی بسیار قابل تأمل است. این مسجد از گونه مساجد چهار ایوانی ایران است و در جانب شمالی دارای جلوخانی طولانی، عریض و صحن وسیع مرکزیت. از میان کتیبه‌های متعدد این بنا، یک‌سنگ یادمانی به خط نستعلیق ممتاز موجود است که در سردر دیوار جنوبی، ورودی شمالی مسجدالنبی قرار دارد و محتوای آن امر بازسازی (ساخت) این مسجد به فرمان فتحعلی‌شاه قاجار و دارای ماده تاریخ ۱۲۲۳ هـ.ق (زمان اتمام بنا)<sup>۱۴</sup> است. متن کتیبه با آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جن آغاز می‌شود و در ادامه‌ی دستور ساخت مسجد از سوی فتحعلی‌شاه آمده است. (گلرینز، ۵۸۷، ۱۳۶۸)

باوجود آنکه رقم خوشنویس و حجار این قطعه سنگ مرمر مشخص نیست، بنا به کیفیت خط و دقت‌نظر حجار در انتقال و اجرای آن به نظر می‌رسد که هردو هنرمند از جمله هنرمندان طراز اول این عرصه بوده باشند. تاریخ کتیبه نشان می‌دهد این تجدید بنا در زمان حکمرانی علی‌نقی میرزاپسر فتحعلی‌شاه بر قزوین انجام‌پذیرفته است. (تصویرشماره‌ی ۲)

لازم به ذکر است که در میان کتیبه‌های این بنا، دو نمونه‌ی دیگر از کتیبه‌نگاری نستعلیق بر روی کاشی هفت‌رنگ نیز موجود است، که

۴-ماده تاریخ این کتیبه به‌صورت معکوس و آئینه‌وار از راست به چپ نوشته شده و نقطه کلیه «سنه» نیز در میان آن بیننده را به اشتباه می‌اندازد و احتمالاً به همین دلیل نویسنده‌ی کتاب مینوید به اشتباه عدد آن را ۱۲۰۲ هـ.ق خوانده، که با دوران حکومت فتحعلی‌شاه نیز مغایرت دارد.



تصویر شماره‌ی ۲: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجدالنبی قزوین، ۱۲۲۳ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)

در سردر شمالی مسجد نصب شده و علاوه بر نام فتحعلی‌شاه، حاوی نام کاتب «محمدطاهر خوشنویس» و ماده‌ی تاریخ ۱۲۲۲ هـ.ق است. همچنین کاشی کتیبه‌ای نیز با حدیث مدینه‌علم و ماده تاریخ ۱۲۱۰ هـ.ق نیز مشاهده می‌شود.

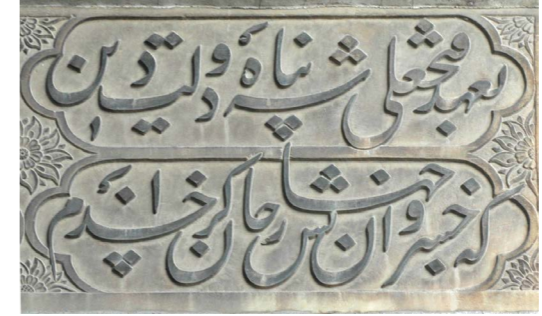
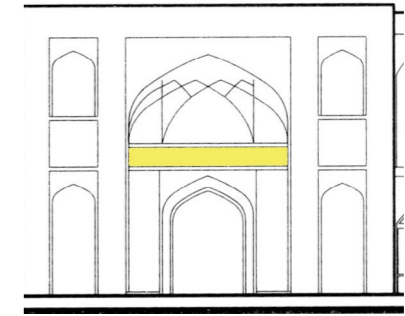
گفتمنی است کتیبه‌های مسجدالنبی قزوین، به لحاظ تاریخی جزو قدیمی‌ترین کتیبه‌های نستعلیق از دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در قزوین به‌شمار می‌آیند.<sup>۱۵</sup>

#### کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد-مدرسه سردار قزوین (۱۲۳۱ هـ.ق)

بنای مسجد-مدرسه‌ها در ایران نوعی فضای معماریست که دارای کارکرد همزمان آموزشی و مذهبی است و فضاهای موجود در آن نیز از در بیشتر موارد از اهمیت یکسانی برخوردارند. با تأملی بر نقشه این نوع مدارس مذهبی ایران در دوره‌ی قاجار، می‌توان نتیجه گرفت که پلان و ساختار متنوعی در گونه‌های مختلف قابل شناسایی و مطالعه است، اما سبک تزئینات وابسته به معماری با توجه به اقلیمی که در آن قرار گرفته‌اند از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند.

مسجد-مدرسه سردار قزوین از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های ایران از عهد قاجار است که به لحاظ تزئینات وابسته به معماری (کاشی‌کاری و کتیبه‌نگاری نستعلیق) و سبک ویژه‌ی معماری و پلان (ادغام

۵- علاوه بر کتیبه نستعلیق سنگی مسجدالنبی، نمونه‌های دیگری از کتیبه‌های سنگی نستعلیق در آب‌انبارهای قزوین همچون: آب‌انبار حاج ملاآقا (۱۲۰۶ هـ.ق)، آب‌انبار پنج علی (۱۲۲۴ هـ.ق)، آب‌انبار لالو (۱۲۲۴ هـ.ق)، آب‌انبار سردار (۱۲۲۹ هـ.ق)، آب‌انبار حاجی بابا (۱۳۳۵ هـ.ق) نصب بوده که متأسفانه بدلیل عدم توجه به اهمیت این آثار ملی، در سال‌های اخیر از بین رفته‌اند.



تصویر شماره ۳: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد-مدرسه سردار قزوین، کاتب: شیخ محمدعلی ابن شیخ عبدالرحیم، ۱۲۳۱ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)

کاربری مسجد و مدرسه (بسیار معروف و شناخته شده است.<sup>[۶]</sup> این بنا به سفارش «حسن خان و حسین خان سردار»، از امرای فتحعلی شاه قاجار -در دوران حکمرانی محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه بر قزوین- در نزدیکی بقعه‌ی امامزاده سلطان سید محمدبن جعفر الصادق ساخته شده است. نکته‌ی جالب توجه در خصوص تزئینات سردر ورودی این بنا، وجود کتیبه‌ای سنگی به خط نستعلیق ممتاز در دو سطر و کیفیت بالای حجاری آنست. (تصویر شماره ۳) خوشنویس این اثر «شیخ محمدعلی ابن شیخ عبدالرحیم» و ماده تاریخ کتیبه ۱۲۳۱ هـ.ق است. متن کتیبه‌ی شعری فارسی درباره‌ی ساخت این بنا در روزگار حکومت فتحعلی شاه قاجار است. متن کتیبه سنگی سردر مسجد-مدرسه سردار به شرح زیر است:

بعهد فتحعلی شه پناه دولت و دین / که خسروان جهانش ز چاکران خدم حسینخان و حسنخان دوشیردل سردار / که شیر چرخ کنداز نهیب ایشان رم دوار چمنسند برادر دوناامدار امیر / که وقت جود گدازد ز رشگشان حاتم دو کامیاب دلاور دو شیر گیر دلیر / که روز جنگ گریزد ز جنگشان رستم خجسته مدرسه دلگشا بنا کردند / که دلکش است و فرح بخش همچویاغ ارم ملک شهید ز شهپر بدر گهش جاروب / فلک نموده بتعظیم گنبدش قدخم بنغمه‌های حزین صبح و شام می‌نالد / ز شوق گوشه بامش کبوتران حرم تبارک الله از ادراک فهم طلاش / که نیست مسئله در ضمیرشان مبهم دو صد بیان بعباراتشان بود مضمیر / دو صد شفا باشاراتشان بود مدغم ز فیض ابر افادتشان به فقه و حدیث / ریاض گلشن شرع نبی شده خرم رقم زد از پی سال عمارتشان خازن / اساس کعبه دین گشت زین بنا محکم (۱۲۳۱ هـ.ق)

۶- برای آشنایی با سبک معماری و تزئینات مسجد-مدرسه سردار، رک: حاج سیدجوادی، فریبرز (۱۳۷۸) «مسجد-مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، صص ۸۱-۱۱۳.

لازم به ذکر است، در داخل این بنا نیز کتیبه نستعلیق کاشی کاری (دورتادور حیاط مرکزی با عباری متوسط) با ماده تاریخ ۱۲۳۳ هـ.ق موجود است، که اخیراً مرمت شده و نام کاشی کار این کتیبه «استاد علی اصغر کاشی‌پز» دوبار در انتهای متن کتیبه قابل مشاهده است.

### کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب‌انبار حاج کاظم قزوین (۱۲۵۶ هـ.ق)

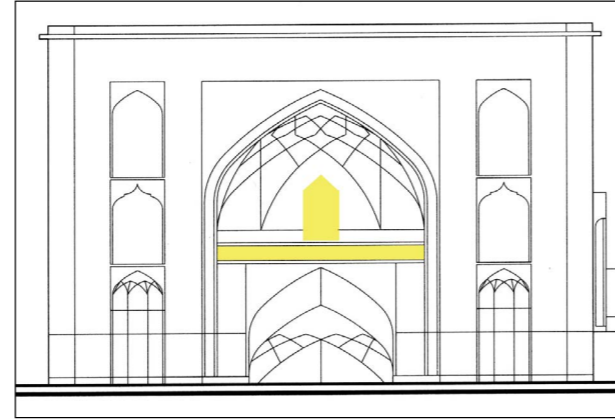
آب‌انبار حاج کاظم یکی از زیباترین و شگفت‌انگیزترین آب‌انبارهای ایران از نظر سبک معماری و تزئینات کتیبه‌ای است. این آب‌انبار که در محله‌ی مغلواک (خیابان تبریز) قزوین قرار دارد، دارای دو بادگیر و تزئینات آجرکاری و کتیبه‌های کوفی معقلی آجری بر روی بدنه بیرونی بناست. اصلی‌ترین ویژگی تزئینات این بنا، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر ورودی آنست که به لحاظ ترکیب‌بندی و عیار خوشنویسی و کیفیت بالای حجاری، نمونه‌ای کم نظیر در کتیبه‌نگاری ایران در دوره‌ی قاجار به‌شمار می‌رود.

شایان ذکر است، بانی این بنا حاجی کاظم کوزه‌گر بوده که به دستیاری حاجی اسماعیل ابن آب‌انبار را در سال ۱۲۵۶ هـ.ق ساخته است. مهندس و معمار بنا شخصی بنام «محمدرضا»، کاتب «میرزا کاظم قزوینی»<sup>[۷]</sup> و حجار «استاد عابدین» است. (تصویر شماره ۴)

متن کتیبه سنگی سردر آب‌انبار حاج کاظم قزوین به شرح زیر است:

خبر خلق خدای هرکس را / شد چو مر کوز فطرت خواطر  
آن کند در مراتب خیرات / کش بود رحمت خدا کبیر  
قدوه الحاج حاجی اسمعیل / آنکه فیض اللہش شده رهبر

۷- میرزا کاظم قزوینی از خوشنویسان بنام (کتیبه‌نویس) قزوین در عهد قاجار بوده و در همین شهر فعالیت داشته و نیاید او را با دیگر خوشنویس برجسته این دوره «میرزا کاظم» (قطعه‌نویس) و شاگرد میرزا غلامرضا اصفهانی یکی بدانیم.



تصویر شماره ۴: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب‌انبار حاج کاظم قزوین، کاتب: میرزا کاظم قزوینی، ۱۲۵۶ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)



تصویر شماره ۵: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمدرحیم (صفا) قزوین، ۱۲۵۹ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)

ساخت این برکه معظم و کرد / وقف شاه شهید تشنه جگر  
که از این خیر حاجی کاظم را / دهد ایـزد جزای بیحد و مر  
جامی از کوثرش دهد که رهد / از حرارت عرصه محشر  
سال تاریخ را نوشت صفا / منبعی ز آب چشمه کوثر (۱۲۵۶ هـ.ق)  
بسرکاری محمدرضا، کتبه میرزا کاظم قزوینی، حجره استاد عابدین.

این کتیبه درست همزمان با سلطنت محمدشاه قاجار و حکمرانی بهرام میرزا (۱۲۵۶ هـ.ق) بر قزوین تهیه شده است.

### کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمدرحیم (صفا) قزوین (۱۲۵۹ هـ.ق)

این حمام که در افواه مردم قزوین به حمام صفا<sup>[۸]</sup> معروف بوده و هست، در زمره‌ی بهترین حمام‌های قاجاری از نظر معماری خاصش به حساب می‌آید. بانی این حمام حاج محمدحسن، برادر حاج محمدرحیم، یکی از پنج پسر حاج عبدالله تبریزی بوده، که در زمان فتحعلی شاه قاجار از تبریز به قزوین مهاجرت کرد و با پسرانش در این شهر به کار و تجارت مشغول شدند. این خانواده که بعدها به «امینی» معروف شدند ارتباط نزدیکی با دربار قاجار داشتند و خانه‌ای مجلل (معروف به حسینیه‌ی امینی‌ها، ۱۲۷۵ هـ.ق) و موقوفات بسیاری در قزوین داشتند. (اکبری، ۱۱۵، ۱۳۹۱) اطلاعی از نام خوشنویس و حجار این کتیبه در دست نیست، اما عیار خط و کیفیت حجاری ممتاز است. (تصویر شماره ۵)

متن کتیبه نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمدرحیم (صفا) قزوین بدین شرح است:

این همایون طاق‌وین ز نزهت سرای دلپذیر / از صفایش اصفیا خواندند حمام صفا  
چون شد از سعی شه ملک فنا محو علی / این خیر الحاج عبدالله تبریزی بنا  
از پی تاریخ انجامش سروش غیب گفت / او چه حمام صفا لایق به اخوان صفا  
(۱۲۵۹ هـ.ق)

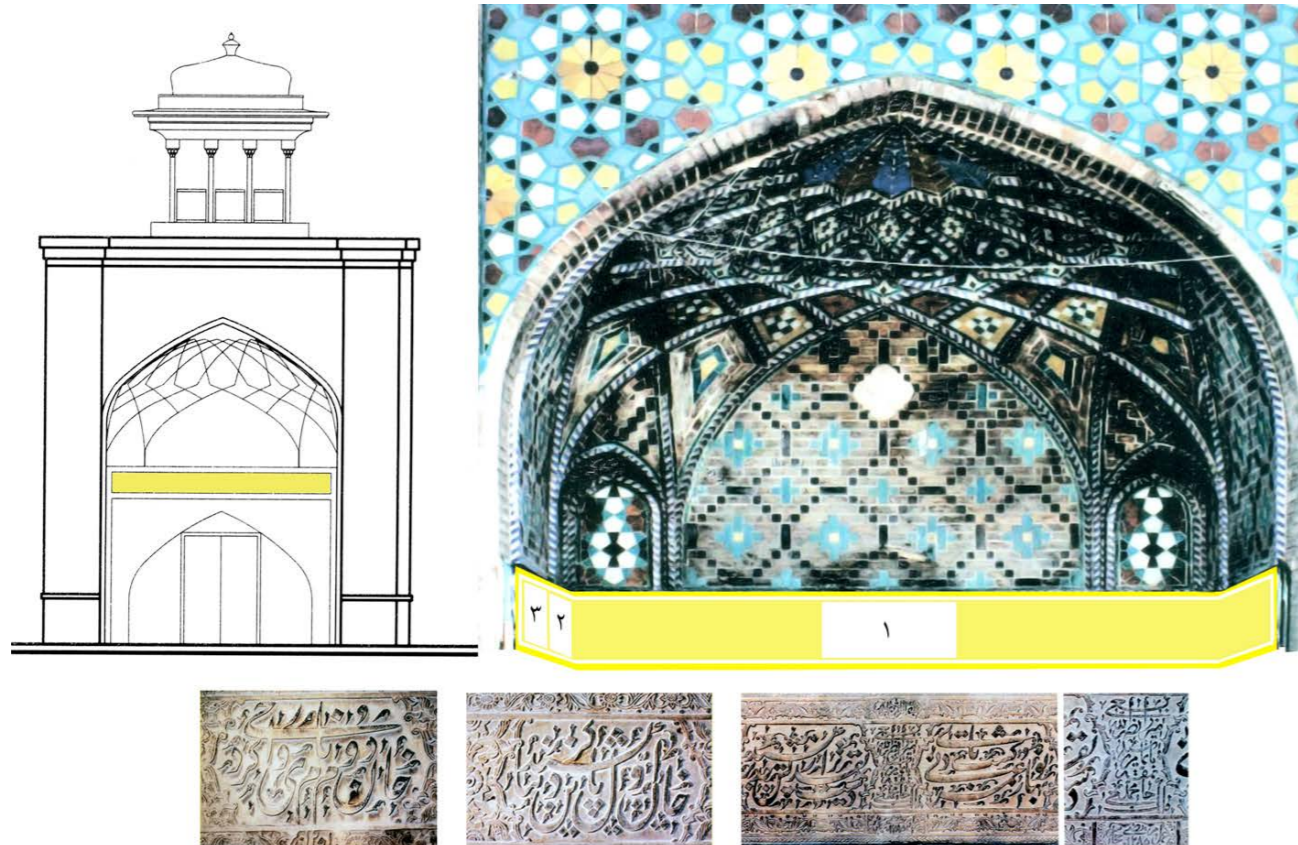
### کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد سبز قزوین (۱۲۶۳ هـ.ق)

مسجد سبز در محله آخوند قزوین<sup>[۹]</sup> با وجود آن که مسجد کوچکی است و حیاط هم ندارد، دارای کتیبه‌ی ممتازی به خط نستعلیق با اشعار فارسی است. بانی این مسجد حاجی یوسف قزوینی این مسجد را در سال ۱۲۶۳ هـ.ق بنا کرد و بر اساس متن کتیبه این بنا با کمک و تلاش حاج محمدرحیم (که چهار سال پیشتر در نزدیکی این محله حمامی نیز ساخته بود) به پایان رسیده. متن کتیبه سردر ورودی مسجد سبز (شباهت

۸- خوشبختانه حمام صفا تنها حمام بازممانده از دوره قاجار در شهر قزوین است که از نمونه‌های حمام دوقلو (دو حمام متصل بهم مردانه و زنانه) که معمولاً تون مشترک دارند و با شماره ۱۱۱۶ در فهرست آثار ملی ثبت شده است. رک: اکبری، پرویش (۱۳۹۱) «حمام حاج محمدرحیم قزوین و جایگاه آن در میان حمام‌های عمومی این شهر در دوره قاجار»، نامه‌ی باستان‌شناسی، ش ۳، دوره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۱.

۹- این محله را از آن جهت محله آخوندی نامند، زیرا در گذشته ربوروی مسجد سبز، مکتب خانه مرحوم ملا ابراهیم طالقانی دایر بوده است. (مینودر، ۵۹۵)





تصویر شماره ۷: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین، به خط ملک محمد قزوینی. (تصویر از نگارنده)

### سبک‌شناسی و ویژگی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین

هنر کتیبه‌نگاری در ایران به ویژه در سردر مساجد و مدارس-ارزشمندترین نمود هنر مقدس است، که ریشه در عرفان اسلامی دارد. اما ترکیب نقوش تجریدی و کتیبه‌های خوشنویسی موجود در کتیبه‌های سنگی بناهای قزوین علاوه بر هماهنگی با وجوه عرفانی، تاریخی و هنری کاربردی دیگر نیز داشت و آن پوششی زیبا و ماندگار بود.

سبک‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین از نظر انواع ترکیب بندی خط، چیدمان کلمات و حروف، سطر بندی و کتابت بر روی کرسی‌های موازی دارای ویژگی‌های بصری و هنری فراوانی است. شیوه‌ی ممتاز خوشنویسی این کتیبه‌ها در مقایسه با نمونه‌های همزمان در دیگر شهرها، نمایانگر وجود الگوی استاندارد و هماهنگی از خوشنویسی نستعلیق قاجاری در قلم کتیبه است. هر چند عیار بالای خط و اجرای حجاری در کتیبه‌های نستعلیق قزوین، فاصله زیادی با کتیبه‌های نستعلیق کاشی هفت‌رنگ این دوران در قزوین و دیگر شهرها دارد.

توجه به این مسأله نیز خالی از لطف نیست که همواره بخش زیادی از کیفیت خط در انتقال (گرته برداری) بر روی سنگ یا کاشی افت می‌کند و بسته به مهارت استاد کاشیکار یا حجار، ساختار و شالوده خطوط (به خصوص نستعلیق) دچار نقصان و دفورماسیون می‌شود، پس در مواردی که عیار خط کتیبه (اتصالات، تندی و کندی حروف) تغییر زیادی نداشته و کتیبه به بهترین شکل ممکن اجرا شده، این گونه استنباط می‌گردد که استاد کاشیکار یا حجار متبحر، احتمالاً تحت نظارت خود خوشنویس یا با هماهنگی نزدیک، روند انتقال و گرته برداری خط را بر

تاریخ در این کتیبه موضوعی جالب توجه است. صاحب کتاب مینودر در توضیح علت وجود دو تاریخ در کتیبه (با استناد به متن شعر) این چنین می‌نویسد: «آب‌گیری را که مولاویردیخان در سال ۱۱۷۷ هـ.ق بنا کرد ولی چنین به نظر می‌رسد خللی بدان راه یافت که عمر بانی‌اش کفاف نداد تا به مرمت آن بپردازد. پس هفتاد و چهار سال بعد، یکی از نوادگان بانی [میرزا نصرالله‌خان معین‌الرعایا] که خان طایفه هم بود، به سال ۱۲۵۱ هـ.ق موفق برقع نواقص این آب انبار می‌شود.» به همین خاطر کتیبه دارای دو ماده تاریخ است. (تصویر شماره ۷)

متن کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین بدین شرح است:

خان گردون قدر مولاویردیخان آنکه زحسن راه حق را کرد طی  
کنند از بن ظلم را بنیاد کرد کعبه دین منبع زمزم ز پی  
ساخت آب انبار چون آب حیات آب او از لطف سازد مرده‌ی  
پس در ارکانش خلل چون راه یافت نوبهار عمر بانی گشت طی  
دست تقدیر از پس جدب کشید قرعه تعمیر برنام نپی  
پس سمی خان حسبت جایگاه بست همت در پی تعمیر وی  
از دو مصرع خواسته تاریخشان سروری کز جام معنی خورده می

خان اول پاز این دنیا کشید (۱۱۱۷ هـ.ق) / خان دوم نام وی کردند (۱۲۵۱ هـ.ق)

بسم الله الرحمن الرحيم، بسعی میرزا نصرالله باتمام رسید، نمقه حاج ملک محمد، علی مرتضی حجار ۱۲۸۵ هـ.ق.

فراوانی به کتیبه سنگی آب انبار خان داشته و احتمالاً اثر ملک محمد قزوینی است (بدین شرح است:

مورد الطاف یزدان آنکه شد

سعی در خیرات داند مفتنم

حاجی یوسف بانی آثار خیر

آنکه دین را پیروی ثابت قدم

زاهتمام حضرت حاجی رحیم

وز پی کسب فیوض دمبدم

این بنا بنهاد و تاریخش صفا

بانی بیت الحرامی زد رقم (۱۲۶۳ هـ.ق)

کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان (مسجد-مدرسه مولاویردیخان) قزوین (۱۲۸۵ هـ.ق)

قزوین به دلیل دارا بودن ده‌ها آب انبار با معماری شکفت‌انگیز (با پلان‌هایی جداگانه و متفاوت) از عهد قاجار و تزئینات هنری چشم‌گیر در ورودی‌ها و بادگیرها، به شهر آب انبارها معروف بوده است. در همین زمینه و در نزدیکی بازار قزوین (جنب مجموعه سعدالسلطنه) مسجد و مدرسه‌ای از دوره‌ی قاجار وجود دارد، که با نام بانی‌اش مرحوم مولاویردیخان (از خوانین طایفه ذوالقدر و هم‌عصر کریم‌خان) شناخته می‌شود. در جنب شمالی این مسجد در ورودی آب انبار خان (از سمت شمال و شرق) وجود دارد که دارای طاق آجرکاری و کتیبه‌ای سنگی به قلم نستعلیق یکی از نوابغ خوشنویسی ایران «ملک محمد قزوینی» است. (تصویر شماره ۶)

ملک محمد هنرمندی نوگرا بود که قالب‌های متداول خوشنویسی همچون سیاه‌مشق و جلیبیا را کنار گذارد و آثار ابتکاری جدیدی خلق کرد. نوآوری او از این جهت ارزشمند است که ریشه در سنت‌ها و اصالت‌های هنر خوشنویسی ایرانی-اسلامی دارد و از تقلید کورکورانه و بدون هویت به دور است. (نورمحمدی، ۱۳۹۵، ۱۱) وی علاوه بر خطوط تزئینی، دستی قوی در کتیبه نویسی و نوشتن خطوط جلی داشت.

اما علاوه بر اهمیت خوشنویس و شیوه‌ی کتیبه‌نگاری این اثر کم‌نظیر، وجود دو ماده



تصویر شماره ۶: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین، کتاب: ملک محمد قزوینی، ۱۲۸۵ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)



روی کاشی یا سنگ انجام داده و کتیبه‌های سنگی قزوین از این حیث عیار ممتازی دارند.<sup>[۱۰]</sup>

در بررسی کتیبه‌های سنگی نستعلیق سردر بناهای قزوین ، مشخص می‌شود که متن کلیه این آثار اشعار فارسی و محتوای آن‌ها درباره‌ی اهمیت ساخت یا بازسازی بناها ، نام بانیان و سازندگان ، ماده تاریخ و در مواردی هم نام خوشنویس و حجار بوده است. جنس کتیبه‌های سنگی قزوین همگی از مرمر سفید و در مواردی روی متن خط رنگ‌آمیزی (مشکی یا آبی) نیز شده است.

عمده کتیبه‌های سنگی نستعلیق بناهای قزوین به سفارش شاهان قاجار ، صاحب منصبان سیاسی و تجار ساکن قزوین تهیه شده بودند. در دوره‌ی قاجار درباریان و رجال سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به حکومتشان و نزدیک‌تر شدن به علما ، بازاریان و مردم اقدام به احداث یا تعمیر بناهای عمومی (همچون مسجد ، مدرسه ، بیمارستان ، حمام و آب‌انبار) می‌کردند و بخشی از دارایی‌شان را صرف امور خیریه می‌کردند. آن‌چنان که برخی از این بناهای عام‌المنفعه (مانند آب‌انبار) نقشی مهم در زندگی اقتصادی مردم قزوین (به‌خصوص در دوران قحطی و خشکسالی ۱۲۸۸ و ۱۳۳۸ ه‍.ق) بازی می‌کردند و در میان مردم جایگاه ویژه‌ای نیز داشتند و شاید به همین دلیل بانیان و سازندگان این بناها با درک اهمیت موضوع و در پی ثبت و ماندگار کردن نامشان (و کسب احترام از سوی جامعه) بهترین خوشنویسان و حجاران استخدام می‌کردند تا کتیبه‌هایی یادمانی و وقف‌نامه را تهیه کنند.

#### نگاهی به سبک کتیبه‌نگاری «ملک محمد قزوینی» در قلم نستعلیق

به‌طور معمول در سیر تحولات قلم نستعلیق ، گروهی از خوشنویسان را به‌واسطه‌ی معیارهای زیبایی‌شناسی خط‌شان ، قله یا به کمال رساننده این خط قلمداد می‌کنند. البته تعریف کمال در هنر خوشنویسی بسیار مناقشه برانگیز است ، زیرا پدیده‌های هنری چون خوشنویسی در طی زمان ، مراحل کمال را می‌پیمایند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۰۲) از طرفی به‌نظر می‌رسد در تحلیل‌های تاریخی و هنری اقلام خوشنویسی به‌خصوص نستعلیق ایرانی- نباید در جستجوی مبدع و واضع باشیم ، چراکه شکل‌گیری و تکامل این خطوط و تحولات اساسی در آن‌ها دستاورد گروهی از استادان خوشنویسی و در ادامه‌ی تلاش شیوه استاد-شاگردی در طول چند دهه یا سده اتفاق افتاده است. پس با نگاهی به تاریخ خوشنویسی ایران از آغاز دوره‌ی قاجار تا میانه‌ی عهد ناصری و به سبب خلاقیت و توانمندی برخی چهره‌ها ، که کاتب صرف نبودند و جنبه‌ی پژوهندگی و هنرمند بودن آن‌ها بر کاتب بودنشان برتری داشت ، می‌توانیم شکل‌گیری اندیشه‌های نو در کار خوشنویسی ایرانی و رسیدن به روایت‌های تازه بصری و گرافیکی حدر عین پاکیزه‌نویسی و اجرایی با کیفیت بالا- از خط نستعلیق را مطالعه کنیم.

لازم به یادآور است که شیوه و روش خوشنویسی با قلم کتابت (قلم

۱۰- هر چند به‌نظر می‌رسد در مورد سنگ ، همان‌گونه که امروز نیز مرسوم است ، گاهی خوشنویسان مستقیماً با مرکب بر روی سنگ می‌نوشتند و بعد حجار آن را بر سنگ می‌تراشیدند ، پس به همین جهت عیار کلی خط و کیفیت اتصالات و مفردات کتیبه‌های سنگی بالاست.

مشقی) همواره متفاوت با قلم کتیبه بوده ، به همین دلیل برخی کاتبان که در قلم کتابت چیره‌دست بودند الزاماً کتیبه‌نویسان موفق نشدند. از طرفی با توجه به محدودیت‌های به‌کارگیری خط نستعلیق در کتیبه‌نویسی (دشواری در هماهنگ کردن منحنی‌های حروف با ساختار هندسی در معماری) کتیبه‌های نستعلیق برخلاف کتیبه‌های ثلث عموماً به شکل نوار باریکی بودند که اگر در ارتفاع بالا نصب می‌شدند ، از فاصله چند متری (به دلیل پرسپکتیو) به سختی خوانده می‌شدند. در همین راستا و در بررسی تحولات سبک‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق دوره‌ی قاجار سه سبک اصلی قابل شناسایی است:

۱- سبک کتیبه‌نویسی نستعلیق با ترکیب‌بندی و شیوه‌ی کتابت (سطرنویسی) و بر روی یک گرسی استوار بود و متن کتیبه با اسلوب معمول خوشنویسی در نگارش کتب و قطعات با قلبی درشت‌تر انجام می‌شد و معمولاً کتیبه‌های نستعلیق به صورت نوارهای باریک نوشته و در بسیاری موارد (به‌خصوص در شبه‌قاره و عثمانی) با بزرگ‌شدن خط ساختار و انسجام بین حروف و کلمات دچار از هم‌گسختگی شده و عیار خط آفت می‌کرد ؛ نمونه‌های این سبک کتیبه‌نویسی در کتیبه‌های متعدد بازمانده از روزگار فتحعلی‌شاه در بناهای مختلف ایران قابل مشاهده است.

۲- سبک دوم که دارای ویژگی‌های گرافیکی و ترکیب‌بندی چشم‌نوازتری بود ، در ادامه پیشرفت خوشنویسی نستعلیق در جهت رها نویسی و قدرت قلم در حرکات بی‌پروا و بداهه و به‌خصوص گنده‌نویسی توسعه یافت ، که قدری هندسه خط (و مختصات حروف و اتصالات) را نیز دستخوش تغییرات کرد. در خط نستعلیق ساختار حروف مبتنی بر منحنی استوار است و در این سبک ، خوشنویسان با چیدمان حروف و کلمات بر روی دو یا سه گرسی موازی فرعی و تغییر در اندازه برخی دوایر (چون س ، ش ، ص ، ض ، ل ، ن ، ی) نسبت به قلم کتابت (در قطعات) و گاهی کوچک‌کردن اندازه‌ی نقطه‌ها بنا به اقتضای متن و فضای منفی ایجاد شده بین کلمات ، روایت متفاوت‌تری نسبت به روش نخست ، هم به صورت نوار باریک و هم به صورت کتیبه‌های بازوبندی ارائه دادند ؛ موفق‌ترین نمونه از این سبک کتیبه‌نویسی را می‌توان در کتیبه‌های مسجد-مدرسه سپهسالار تهران (به‌عنوان اولین مسجدی که خط اصلی کتیبه‌هایش نستعلیق بوده) به قلم میرزا غلامرضا اصفهانی مشاهده کرد<sup>[۱۱]</sup> که ماحصل مطالعه و شناخت دقیق میرزا علامرضا از ساختار و هندسه خط نستعلیق بود و پس از او نیز همین روش در کار میرزا عمو قابل پیگیریست.

در همین راستا ، به نظر می‌رسد با توجه به گسترش استفاده از قلم نستعلیق در کتیبه‌نویسی دوره‌ی قاجار و ضعف کتیبه‌نویسی به خط ثلث در این دوره ، تفاوت قلم کتیبه با نستعلیق قلمی ، بیشتر در جهت

۱۱- برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی سبک کار میرزا علامرضا اصفهانی در کتیبه‌های نستعلیق مسجد-مدرسه‌ی سپهسالار ، رجوع کنید به پژوهش سینا گودرزی با عنوان «ترجمه‌ی بصری کتیبه‌های نستعلیق میرزا غلامرضا در مسجد سپهسالار تهران»

Goudarzi, S. (2013) "The visual Interpretation of Nastaliq in Architecture: Mirza Gholam Reza's Monumental Inscriptions for the Sepahsalar Mosque in Tehran", in: Calligraphy and Architecture in the Muslim World, Ed: M.Gharipour & I.Cemil Schick, Edinburgh University Press, 346-359.



تصویر شماره ۸: مقایسه ترکیب‌بندی حروف کشیده، منحنی و چیدمان کلمات در سیاه‌مشق و کتیبه‌نگاری به خط ملک محمد قزوینی.



تصویر شماره ۹: مقایسه ترکیب کلمات با نقوش تزئینی (اسلیمی، گل و شرفه‌اندازی) در قطعه‌نویسی و کتیبه‌نگاری به خط ملک محمد قزوینی.

بهترین نمونه این سبک کار در مجموعه کتیبه‌های نستعلیق بازمانده از دوره‌ی قاجار در کتیبه‌های سنگی سردر آب‌انبار خان و مسجد سبز قزوین (به قلم ملک محمد قزوینی) است.

اما برای شناخت بهتر سبک ملک محمد در کتیبه‌نویسی ، می‌بایست نگاهی به قطعات خوشنویسی بازمانده از وی ببینیم ، چراکه ملک محمد ، به‌عنوان یکی از پیشگامان نقاشی خط ، نوآوری‌ها و ترکیبات بدیعی را در قطعات خوشنویسی‌اش ارائه کرده که تا به امروز کمتر شناخته و تجزیه و تحلیل شده است. این تفاوت که گاهی به غلط ضعف خوشنویس قلمداد می‌شود ، در خلاقیت وی در استفاده به‌هنگام

هماهنگی با ساختار کتیبه به عنوان عنصری تزئینی در معماری است. (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۲۸)

۳- سبک سوم که در ادامه‌ی سبک دوم و با توجه به اقتباس از سبک مُهرنویسی حکاکان شکل گرفت ، مبتنی بر چیدمان حروف و کلمات به صورت ترکیبی کاملاً آزاد و گاهی ناخوانا (دشواری برای مخاطب ناآشنا به ترکیب‌بندی در مُهرها) در قاب‌های مستطیل‌شکل (بازوبندی) است و تفاوت عمده آن با دو سبک قبلی ، ساختار گرافیکی و هنری‌تر در آنست که در آن توجه به خوانش متن و محتوا در سایه‌ی تزئین و رسیدن به یک ترکیب متناسب (بین خط و فضای زمینه) نادیده گرفته می‌شود ؛





تصویر شماره ۱۰: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد سبز قزوین، کاتب: احتمالاً ملک محمد قزوینی، ۱۲۶۳ هـ ق

از ترکیبات و اتصالات سه خط (کوفی، ثلث و نستعلیق) و همینطور نقطه‌گذاری به فرم دایره به جای مربع است. در این روش ملک محمد آزادانه و بدون توجه به قالب‌های استاندارد نستعلیق‌نویسی، شکل و اندازه حروف را به اقتضای ترکیب کلی اثر تغییر داده و روایت تازه‌ای از تناسبات میان حروف و کلمات پیش روی مخاطب می‌گذارد. این سلیقه و زیبایی‌شناسی ملک محمد را علاوه بر قطعات (سطرنویسی و سیاه‌مشق) می‌توان در کتیبه‌نویسی وی نیز به وضوح مشاهده کرد.

پنج کتیبه سنگی باقی‌مانده از ملک محمد قزوینی عبارتند از:

- سنگ مزار میرزا ابوالقاسم بهشتی شیرازی (۱۲۶۴ هـ ق) در قزوین.

- سنگ مزار شهید ثالث (۱۲۶۵ هـ ق) در قزوین.

- کتیبه‌ی سنگی بقعه‌ی خواهر امام <sup>[۱۲]</sup> (۱۲۷۲ هـ ق) در رشت.

- کتیبه‌ی آب‌انبار (مسجد مدرسه مولاوپردی خان) خان (۱۲۸۵ هـ ق) در قزوین.

- احتمالاً کتیبه‌ی سردر مسجد سبز (۱۲۶۳ هـ ق) در قزوین.

در هر چهار کتیبه سنگی ملک محمد در قزوین، هنرمند همان شیوه‌ی نستعلیق‌نویسی مختص خود با ترکیب‌بندی و دستمایه‌های نقاشی خط و خطوط تزئینی اش را تکرار کرده (تصویر شماره ۸) - ترکیبی مشابه خطوط نستعلیق در مهرهای قاجاری - و اطراف خط را نیز با نیش قلم تزئین کرده (نقوش اسلیمی، گل و شرفه‌اندازی) که عیناً توسط حجار نیز اجرا شده. (تصویر شماره ۹) رقم وی در این آثار به ترتیب تاریخی «نمقه ملک محمد بی‌قدر»، «کتبه ملک محمد قزوینی غفر الله ذنوبه» و «نمقه حاج ملک محمد» است و کتیبه‌ی مسجد سبز فاقد رقم کاتب.

انسجام و صلابت خط ملک محمد در این کتیبه‌ها و عیار بالای خط با دیگر نمونه‌های موجود در کتیبه‌های قزوین قابل مقایسه نیست و تنها مورد مشابه (به لحاظ عیار خط و کیفیت در حجاری) کتیبه سنگی آب‌انبار حاج کاظم است. شیوه‌ی خوشنویسی ملک محمد در قطعه‌نویسی که پس از او توسط دو تن از شاگردانش به نام‌های «میرزا عبدالحسین طبیب قزوینی» و «محمدطاهر قزوینی» ادامه یافت، به دست دیگر خوشنویس برجسته قاجار «مشکین قلم اصفهانی» به اوج شکوفایی و تکامل خود رسید و منبعی گردید برای نقاشی خط معاصر ایران. اما سبک کتیبه‌نویسی این نابغه‌ی خوشنویسی پس از او هیچگاه تکرار نشد.

۱۲- کتیبه‌ی سنگی متعلق به دوره‌ی ناصرالدین‌شاه با موضوع معافیت مالیاتی نانوایان (ستوده، ج ۱، ۱۳۴۹، ۲۹۶) با ماده تاریخ ۱۲۷۲ هـ ق و رقم ملک محمد قزوینی، نمونه‌ی ارزشمندی از کار کتیبه‌نگاری این هنرمند است. گفتنی است رقم ملک محمد در این اثر نخستین بار توسط استاد احمد ابوطالبیان شناسایی و به نگارنده معرفی شده و اهمیت آن در ماده تاریخش است، چراکه نویسنده مرقع دلگشا به اشتباه باور دارد: «تا کنون اثری از ملک محمد که تاریخی بین سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۸۵ هجری داشته باشد دیده نشده است» (نورمحمدی، ۱۳، ۱۳۹۵)

کتاب‌نامه

۱- اکبری، پرویش (۱۳۸۹)، بررسی باستان‌شناختی حمام‌های قاجاری قزوین و نقش آن‌ها در حیات اجتماعی شهر در این دوره، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.

۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، «حمام حاج محمد رحیم قزوین و جایگاه آن در میان حمام‌های عمومی این شهر در دوره‌ی قاجار»، نامه‌ی باستان‌شناسی، ش ۳، دوره‌ی ۲، صص ۱۱۵-۱۳۱.

۳- بهپور، باوند (۱۳۸۴)، «کتیبه‌نگاری دوره‌ی قاجار»، مجله‌ی هنرهای زیبا، ش ۲۲، انتشارات دانشگاه تهران.

۴- حاج سیدجوادی، فریبرز (۱۳۷۸)، «مسجد-مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، صص ۱۱۳۸۱.

۵- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳)، گنجنامه، جلد هجدهم «حمام‌ها»، دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه.

۶- خادهمیان قزوینی، شیخ رجب (۱۳۷۹)، بقاع متبرک قزوین: شاهزاده حسین(ع)، انتشارات بحرالعالم.

۷- خلیج، رضا (۱۳۸۲)، پژوهشی در معماری آرامگاهی مذهبی شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران دانشکده‌ی ادبیات.

۸- خمسه، فرزانه (۱۳۹۰)، «بررسی مضمونی خط‌نگاره‌های مسجدالنبی قزوین»، دوفصلنامه‌ی نقش‌مایه، س ۴، ش ۷، صص ۵۸۲۵.

۹- دبیرسیاقتی، محمد (۱۳۸۱)، سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن، اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین و حدیث امروز.

۱۰- زارعی مومنی، سکینه و محمدابراهیم زارعی (۱۳۹۳)، «معماری مسجد، کتیبه‌نگاری و آرایه‌های دوره‌ی قاجار با تأکید بر مسجدالنبی قزوین»، دوفصلنامه‌ی مطالعات هنر بومی، ش ۱ و ۲، صص ۲۳-۹.

۱۱- شهیدی، یحیی (۱۳۴۹)، «حصار و دروازه‌های قزوین»، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، ش ۵، صص ۲۴-۱.

۱۲- کریم‌زاده، ابوالفضل و عباس خاکپور (۱۳۹۴)، «بررسی نقوش و تزئینات مسجد-مدرسه‌های قزوین در دوره‌ی قاجار نمونه موردی: مسجد-مدرسه شیخ الاسلام و سردار»، اولین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه اقتصاد شهری، سیویلیکا.

۱۳- گلریز، محمدعلی (۱۳۶۸)، مینودر یا باب‌الجنه قزوین، ج اول، انتشارات طه.

۱۴- عسگری، نصرالله (۱۳۸۸)، «آب‌انبار سردار بزرگ قزوین و نقش آن در زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم محله‌های سابق»، فصلنامه‌ی فرهنگ و مردم، س ۸، صص ۱۹۵-۲۰۴.

۱۵- محمدزاده، محمدنادر (۱۳۸۵)، یادگار ماندگار: نقشه‌بناهای تاریخی استان قزوین، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.

۱۶- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۴)، کتیبه‌های نستعلیق تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران و نشر پیکره.

۱۷- ملک‌زاده، الهام (۱۳۸۳)، «نگاهی به وضعیت امور خیریه قزوین در عصر قاجار»، گنجینه اسناد، ش ۵۵، صص ۵۸۳۶.

ملکی، سعدی (۱۳۸۱) «هنر و معماری قاجار مساجد جامع قزوین»، کتاب ماه هنر، ش ۴۵ و ۴۶، صص ۱۱۷-۱۱۰.

۱۸- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و دیگران (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی مسجد-مدرسه‌های دوره‌ی قاجار»، فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۱، صص ۱۵۵.

۱۹- نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۵)، مرقع دلگشا، نشر پیکره.

۲۰- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۳، نشر نی.

۲۱- هاشمی‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار، فرهنگستان هنر.

22- Behpoor, Bavand (2013) «Reading Qajar Epigraphs: Case studies from Shiraz and Isfahan», in: Calligraphy and Architecture in the Muslim world, Ed: Gharipour, M and Irvin Cemil Schick, Edinburgh University Press.

